



سال نو میلادی بر همگان خجسته باد!

جهان با بیم و امید به استقبال سال ۲۰۲۵ می رود!



هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران

سال ۲۰۲۴ در میان شعله‌های جنگ در خاورمیانه، کشتار زنان و کودکان در غزه و لبنان، به زیر کشیدن بشار اسد دیکتاتور سوریه و هم‌زمان به قدرت رسیدن گروهی سربرآورده از ارتجاع مذهبی به جای آن، خونریزی و تلفات در جنگ اوکراین و پیشروی جریان‌های راست در سطح جهان که اوج آن، به قدرت رسیدن ترامپ بود، با بیم‌های زیاد و با امید به زندگی در صلح و آزادی وارد سال ۲۰۲۵ می‌شود.

در سالی که گذشت کشور ما با بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عمیق و دامنه‌داری مواجه بوده‌است. تداوم و تعمیق بحران‌ها، همراه با بیکاری، تورم و گرانی، زندگی بخش بزرگی از مردم کشور را با مخاطره روبرو ساخته‌است. کشمکش بر سر برنامه‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی و نیز انزوای سیاسی ناشی از آن، ادامه دارد. روزی نیست که ده‌ها اعتصاب و اعتراض علیه این وضعیت در کشور صورت نگیرد. پاسخ جمهوری اسلامی مثل همیشه، سرکوب و تهدید و اخراج بوده‌است. اما تلاش برای خلاصی از این وضعیت ادامه دارد؛ حرکت‌ها و اعتراضات انقلابی مردم در بطن جامعه جاری است. جنبش «زن، زندگی، آزادی» ارکان جمهوری اسلامی را به لرزه در آورده‌است. تقوای رژیم برای بازگشت به دوران قبل از این جنبش، با شکست مواجه شده‌است. کشور ما در تب و تاب تحولانی قرار دارد که با برآمد این جنبش آغاز شده‌اند؛ جنبشی که بخش مهمی از بنیان‌ها و باورهای تحمیلی نظام جمهوری اسلامی را در هم شکسته و تغییرات دامنه‌داری را در سطح جامعه به وجود آورده‌است. طی سال گذشته مقاومت مردم در برابر حکومت گسترده‌تر شده‌است. تحریم نمایش انتخابات ریاست جمهوری رژیم، اوج دیگری از برآمد موفق جامعه بود، که طبق آمار خود رژیم با کم‌ترین مشارکت مردم برگزار شد. عقب‌نشینی حکومت در برابر زنان شجاع کشورمان و تعلیق قانون «حجاب و عفاف» و برداشتن فیلترینگ از واتساپ، از نمونه‌های امیدبخشی است که جنبش مردم ایران، شکست سیاست‌های حکومت را در

داخل رقم زده است. اکنون جمهوری اسلامی در اوج استیصال و اقتصادی ورشکسته، در حالی که جناح‌های درونی آن به جان همدیگر افتاده‌اند، با گام‌های لرزان وارد سال جدید میلادی می‌شود.

سال ۲۰۲۵ را در شرائطی آغاز می‌کنیم که جنگ و خونریزی در منطقه‌ی خاورمیانه و نیز اوکراین ادامه دارد. هنوز نشانه‌ای از صلح و پایان این جنگ‌ها دیده نمی‌شود. جنگ اسرائیل با فلسطینیان در غزه، که به شکلی نسل‌کشی در نقطه‌ای از جهان است، فراتر از مرزهای این دو، خاورمیانه را متلاطم کرده است. تمام غزه به ویرانه تبدیل شده است؛ جمعیت میلیونی آن آواره گشته و بیش از ۴۵ هزار تن به قتل رسیده‌اند، که بخش بزرگی از آنان را کودکان و زنان تشکیل می‌دهند. در سوریه دیکتاتوری خاندان اسد درهم شکسته است. دولت اسرائیل بعد از ضربات به حزب الله در لبنان، این بار با استفاده از فرصت سقوط رژیم اسد، بار دیگر تجاوز به خاک سوریه را آغاز کرده است و طی صدها حمله‌ی هوایی سنگین، زیرساخت‌های نظامی این کشور را تخریب کرده و سودای اشغال بخشی دیگر از سوریه را هم در سر دارد. هیئت تحریر الشام، نیروی اصلی بعد از سقوط بشار اسد، یک جریان مذهبی افراطی است، که اعضای موثر آن پیشینه‌ی القاعده و داعش دارند. این نیرو طی چند سال گذشته، در ادلیب با حمایت همه جانبه‌ی دولت ترکیه حکومت کرده و آموزش دیده است. اکنون با گروه‌های متحد و همسوی خود، قدرت را در سوریه به دست گرفته است و علیرغم وعده‌های زیاد، آینده‌ی روشنی در انتظار این کشور نیست.

تنوع مذهبی و قومی در سوریه و نیز کنترل بخش‌هایی از خاک آن توسط نیروهای مختلف اوضاع را پیچیده‌تر کرده است. تلاش بازماندگان دولت اسلامی و داعش، برای استفاده از وضعیت آشفتگی کنونی این کشور برای بازگشت مجدد به صحنه‌ی سیاست سوریه، به بحران کنونی دامنه بیشتری بخشیده است. این درحالی است که نیروهای دمکراتیک کرد و متحدان آن‌ها، که کنترل حدود ۳۰ درصد از خاک این کشور را در دست دارند و نقشی تعیین کننده در شکست دولت اسلامی داشتند و هم اکنون هزاران تن از اعضا و خانواده‌های دولت اسلامی در زندان‌ها و اردوگاه‌های این منطقه قرار دارند، از طرق مختلف زیر فشار ترکیه و متحدان آن قرار دارند. علاوه بر این‌ها، زورآزمایی‌های قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای برای دخالت در سرنوشت سوریه هم چنان ادامه دارد و دخالت دولت‌های خارجی از جمله ترکیه و آمریکا، که بخشی از خاک این کشور را تحت اشغال خود دارند، شرایط را دشوارتر کرده است. طی چند روز گذشته نیروهای طرفدار اردوغان به مناطقی از سوریه که تحت کنترل کردها است، حمله کرده‌اند و می‌خواهند منطقه‌ی تحت نفوذ خود را با کمک ارتش ترکیه گسترش دهند. دولت اردوغان در صدد اعمال کنترل به سوریه و در وهله اول حذف کردها از تحولات سیاسی این کشور، به کمک نیروهای مزدور خود و فاتحان اسلامگرای حاکم است. علاوه بر این‌ها، حضور نیروهای وابسته به حکومت اسد و حامیان آن‌ها از جمله در میان علوی‌ها، همه زمینه را برای تبدیل شدن سوریه به یک منطقه‌ی درگیری و جنگ داخلی آماده کرده و موجبی برای نگرانی از تحقق رویای زندگی در امنیت و آرامش بعد از سقوط اسد و امکان آغاز یک بحران جدید در خاورمیانه است؛ امری که احساس پیروزی بعد از این سقوط، برای مردم این کشور را هرچه دشوارتر کرده است.

سال ۲۰۲۴ سال شکست سیاست «عمق استراتژیک» جمهوری اسلامی هم بود. طی این سال حماس و حزب الله لبنان، ضربات خردکننده‌ای در جنگ با اسرائیل متحمل شدند و با سقوط اسد در سوریه، «محور مقاومت» جمهوری اسلامی هم عملاً زمینگیر شد. جمهوری اسلامی با سقوط بشار اسد، مهم‌ترین متحد خود در منطقه را از دست داد و عملاً راه کمک رسانی به حزب الله و حماس، که نقش پل ارتباطی و پشت جبهه برای آن‌ها را داشت، مسدود شد.

سال ۲۰۲۴ هم چنین سال گرمایش بیشتر زمین بود. سالی که در آن دمای هوا به بالاترین میزان خود رسید و بارش‌های شدید و سیلاب‌هایی با ابعادی بی‌سابقه رخ داد و ده‌ها کشور، دمای بالاتر از ۵۰ درجه را تجربه کردند. نشانه‌های خطری که محیط زیست و حیات بشریت و زمین را تهدید می‌کند آشکار است، اما منافع دولت‌های بزرگ و دعوای داخلی بین کشورها، هم چنان حرف اول را می‌زند. مذاکرات اقلیمی اغلب به حداقل‌ها منتهی می‌شوند، اما همین حداقل‌ها هم توسط دولت‌های آلاینده‌ی جو زمین، رعایت نمی‌شود. بر پستر چنین روندی هم هست که میزان غلظت کربن در اتمسفر، افزایش دمای زمین و رخدادهای شدید آب و هوایی، رکورد می‌شکنند.

سال ۲۰۲۴ هم چنین سال موفقیت جریان‌های دست راستی در کشورهای غربی بود. پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، نقطه‌ی اوج این تحول در دمکراسی‌های غربی بود. طی سال‌های اخیر، گرایش‌های ضد خارجی و فاشیستی در این کشورها تقویت شده‌اند. هم اکنون احزاب دست راستی در بسیاری از کشورهای اروپا از جمله در ایتالیا، هلند، سوئد و مجارستان حکومت می‌کنند و در اتریش، آلمان، فرانسه و اسپانیا، سهم بزرگی را در پارلمان‌ها به خود اختصاص داده‌اند. قدرت‌گیری این احزاب با گرایش‌های آشکار فاشیستی، بر متن بحران دامنه‌دار سرمایه‌داری جهانی و ناتوانی احزاب سنتی در مقابله با این بحران، صورت می‌گیرد و جهان را با مخاطرات و تنش‌های جدیدی مواجه می‌کند.

هیئت سیاسی- اجرائی حزب چپ ایران امیدوار است که سال ۲۰۲۵، سال موفقیت جنبش انقلابی مردم ایران باشد و پایه‌های قدرت حکومت مستبد به دست نیروی مبارزهی مردم متحد ایران، از هم بگسلد. کارگران، زحمتکشان و دیگر مردمان کشور ما، بتوانند راه استقرار یک جمهوری دموکراتیک مبتنی بر جدائی دین و دولت را، به جای جمهوری اسلامی هموار نمایند. هم‌چنین، جنگ در سراسر جهان و قبل از همه در غزه و اوکراین متوقف شود و بشریت بتواند شعله‌ی آتش این جنگ‌ها و دیگر تنش‌ها در جهان را مهار کند؛ جنگ افروزان و ماجراجویان را عقب بنشانند؛ صلح و آسایش و دوستی بین ملت‌ها جان بگیرد؛ تبعیض، مغلوب برابری گشته، کشتار و اعدام، رخت بر بندد و رفاه عمومی و زندگی همراه با کرامت انسانی برای همه مردم جهان، تقویت گردد.

هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران

۱۱ دی ۱۴۰۳ - ۳۱ دسامبر ۲۰۲۴

Source URL: <https://bepish.org/node/11685>